

عنوان مقاله:

نقش آفرینی عشق در نظام هستی از نگاه امام خمینی

محل انتشار:

فصلنامه علمی پژوهشی متین (امام خمینی و انقلاب اسلامی)، دوره 3، شماره 10 (سال: 1380)

تعداد صفحات اصل مقاله: 42

نویسنده:

خلاصه مقاله:

چکیده: ردپای مقوله عشق و محبت به وضوح در سطر سطر متون عرفانی ما مشاهده می شود تا آنجا که می توان ادعا نمود موضوع این مقال از پرمحمول ترین موضوعات تاریخ ادب و عرفان است و به اعتقاد نگارنده از محوری ترین موضوعات عرفانی است که هم «قوس نزول» با او آغاز می گردد و آسمان هستی ستاره باران می شود و هم در «قوس صعود» زمینه تکامل انسان را فراهم می سازد و او را از عالم کثرت به وحدت رهنمون می شود. در این نگاه محب به واسطه مظهریت اسم محب، انسان کاملی است که در کتاب تکوین یا تشریح همراه و همدوش است. برای بیان نظریات فوق ابتدا تعریف کوتاهی از عشق و محبت از دیدگاه عرفا داده شده و سپس در آثار و تالیفات عرفانی امام خمینی به تبیین جایگاه این حقیقت پرداخته شده است. خلاصه ماشینی: از دیگر ویژگیهای عشق می توان فطری بودن آن را یاد کرد و امام در این باره می نویسد: «از آنجا که خداوند سرشت و فطرت همه موجودات را با عشق خود مخمر ساخته است تمام ذرات کائنات و سلسله موجودات از مرتبه ادنی تا اعلی همگی حق طلب و حق جویند و هرکس در هر مطلوبی خدا را طلب می کند» [خمینی ۱۳۷۶: ۹۱] «ذرات وجود عاشق روی ویند» [خمینی ۱۳۷۴: ۲۱۲] پس فطرتی که نوع انسان بدان مفلور است، فطرتی عاشقانه است: «عشق تو سرشته گشته اندر گل ما» [خمینی ۱۳۷۴: ۴۴] و ایشان متذکر می شوند که انسان در هر محبوبی عشق حق را جستجو می نماید زیرا «عشق نگار سر سویدای جان ماست» [خمینی ۱۳۷۴: ۵۵]. عرفان اینگونه موانع را غالباً حجاب تعبیر می کند و امام از دو نوع حجاب نورانی و ظلمانی یاد می کنند و معتقدند اگر اینگونه حجب از رخسار شریف فطرت برداشته شود و فطرت همان گونه که به بد قدرت الهی تخمیر شده است به روحانیت خود بازگردد؛ عشق به کمال مطلق در چنین انسانی ظهور می کند، او عاشقی می شود که جز در کنار محبوب و معشوق حقیقی آرام نخواهد گرفت. «عشق جانان ریشه دارد در دل از روز الست» [خمینی ۱۳۷۴: ۶۵] «فطره الله التي فطر الناس علیها» [روم: ۳۰] انسان عاشق، کسی است که توانسته ظهور عشق را در وجود خود حس کند و دل به محبوب جاودانه نبندد انسانی است که از حجاب تعین به در آمده، جمال و کمال حضرت عشق را در همه موجودات شهود می کند و همان گونه که ذات مقدس حق را کامل می داند افعال و صفات او را نیز تمام می بیند و به درک این حقیقت که «از جمیل مطلق جز مطلق جمیل برنیاید» ناآل می شود و با مشاهده حضوری آن را درمی یابد [خمینی ۱۳۷۷: ۱۶۴].

کلمات کلیدی:

حب، محب، عشق، محبت، امام، عرفان، دعا، انسان، حق، عاشق

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1933474>

